

# مرزوم

صاحبان و مدیران

کسایتکه برای تماشای مجاکمه مختاری حاضر میشو ندقبل ازهر چید باید رعایت مقررات را: ظلمات را بنماید

## دور نمای محکمه مختاری

مجلس

دیروز صبح اودوهه و زبانی جلو دادگاه بان کتیر سمنه شده بودند. هر لحظه اشها سبکری از اطراف اشافه می شدند. پاسپان و سربران زیاد جاو درب را مسدود و مردم را دور میگرد. ولی اودحامچیت هر لحظه زبانت میشت. چرا برای ایکسی - خوسته فانه مختاری و عدماتش را در موقع رفتن به پیشگاه عدمات و حاجات اشافا کنت. میخواستن این آبروهارا یکدیگر نشان دهند و آبی بر آستانه خویشتن یا ففانت. وان افسوس اینس را ساعت ۵ حد از صف شب صیارت دادگاه آورده بودند. لاد میتربسته که مردم این جا را را قبل از حضور در دادگاه سزای جابت خود برسانند.



آقای موسوی زاده رئیس شعبه اول در آن کتیر



آقای جوان میر احدی مدائن مستشار دادگاه دیوان کتیر

آقای موسوی زاده شا آزاد بوده هندیه شا با اشتداد مبارزه کرده و پند شا نظر تصاح حکومت سابق بوده خود شا هم غنم کرده اند امروز دادگاه کتیر سمنه کشیده کن زندانیان سابق، خانواده های متورای شده و پانیکه شوهرها و فرزندان شان را ناپود کرده اند و بی سرپرست شده اند و در بروز صدای خنده و ناله سوزناک آنها را در دادگاه شنیده یا چشانی اشک آورده و خاطرای پریشان منتظر رای دادگاه میباشد.

## محاکمه مختاری علنی نیست

### محکمه ضعف نشان میدهد

منظره دیروز دیوان کتیر و محوطه اطراف آن مؤید شهرت مافی است که دوشبه منتشر است و حاکی از اینست که در دستگذاشته اند و بیگناهی سزای سابق هیچکونه سستی و مللی ایجاد نشده. هنوز قلم قدرت دودست همان دور که کتیر سابق است. کتیریک. زاده از حد خوشین بوده، امپوزاری مختاری دانشه که در جریان محاکمه مختاری و همسانان اشافا کنت دولت تات خواهد کرد که دوره ای جدید پس از اینمشهور منند در این آغاز شده و موقع آن زمیند است که خانیون و کتیریک برای ابروی کتیریک و جان علی او روی نشخ هزاران تن از آزاد مردان ایران گفته اند کتیریک اعدای نایب خود برست که کتیریک نایب مشهوره دیروز محاکمه مختاری تات کرد. در معلوم دولت خود هم همان روش سابق را ادامه میدهد. این موضوع تعجب هم ندارد زیرا همان فرمان سابق امروز چرخهای پوسیده کشور را آینه آینه میگردداند. قسرت در این کشور دودست کتیریک آبا و ریس محکمه دیوان کتیر افسر است یا دادستان و یا ما ورین شهرهای.

قبل از وقت چند کوهان سردار و مسالنه عمارت دادگاه آورده و دونه دونه های سرراک و پادان صحن صراک دیوان کتیر و ارسامته و دونه اطراف سال دادگاه و راهروها و اطرافها را انتقال کرده بودند. افسران شهرهای ادر طرف صرف صرفه میبندند و دستور میدادند. دادگاه کتیر بر روانه گرم کتیر تا ساعت ۱۱:۳۰ و در جابجا را از اندام بگذرد. و کلاهی نامی و مخفی بر میشت در جای خویشتن نشسته بودند. عداغیان خصوصیت را در آن فریادند عده ای از عداغیان خصوصیت را از منور ایکه مستور وزارت دادگستری است عداغیان را در آن نشاندند. آبا مقرران انتقال داده بده و فرودگان پندار را مشاهده و اجازت قلمی با افسران و افسرانش منع میگردد.

بالاخره آوردند ساعت ۱۱:۳۰ دقیقه متعین وارد سالن شدند. مختاری و جوانش و مقداری وقار و جوانمردی را صورت های آنرا دیده. سرهای اصحاب کرده. ایسای قاضی که معای کتیر است در صف اول جایگاه متعین تر گرفته و دونه ظهر از ایشان مجازت کرده دست برداشتند چندان پندار بگفته است سار متعین هم در جای خود نشسته معرفی در آنرا حد دیوان

آقای مدعی التوم: شا حقه متعلقه متورای مردم هستند. آبا اجازه عداغیان حقه مردم در تالار محکمه و با در حرات دادگاه حسب قواعده مردم زجر شده اند. مردم مدعی شده اند بی ضمانت شده اند و در آن خود را زجر چکته مختاری برای آنکه از دست دادگاه نشا چ و دایل آبا اجازه ورود محکمه میدهند. مردمین دادگاه که در جایگاه خود ورود کنند چرا متعین شهرهای آبا اجازه میگردد. هکناسک مختاری دیوان متعین جانی در منظور اشکات و مدعی التوم ریس دادگاه ایستاده و در وقت جواب عداغیان حقه متعین از جیب خود مگر مدعی روی بی اثرانی مدعی عداغیان دادگاه است. آقای ریس محکمه ایستاده و آبا اجازه مراسم است و احتیاج اجازه میداد شا را متوجه کرده و با عداغیان گفته. ففانترا از جیب خود آرا را فریاد آرا میفریاد این فریاد محاکمه را اصل کرده. بی اثرانی مشا و احتیاج است مدت سنگینه آرا است. خود هم از مختاری متعین آبا ایکه از عداغیان روی که خارج از زمان متعین ففانتا میزند. این رفتار دلالت میگرداند از اینکه مختاری هنوز هم محاکمه و قانون را بازچ میداند. آقای ریس دادگاه: آقای دادستان: عداغیه مردم چند میگردد. میدادند عداغیان که بیرون ایستاده بودند هم چسبیدند. امروز عداغیان بیرون ایستاده اند. اگر مختاری را بخوانند با محاکمه کتیر چون شک معطلی واقع میباشد خواهش خواهند کرد و همه را بی جز عداغیه خواهد گذاشت. آقای مدعی التوم جواب عداغیان میزند: آبا چگونه اگر متعین عداغیه آرا است کتیر. چنان محاکمه دیروز مؤید نظر ایست مردم بود. آبا بیسیم از این بعد چه خواهد آمد.



فستی از تالار محکمه هکناسک استانامه قرائت میشود

وقتیکه منشی دادگاه بعدی رسی خود اعدا فانه را میخواهد و متعین و عداغیان در روند مرتب میگردد خامه امیدایشان اشک آورده و خصوصاً و بتیکه اعدا فانه نصرت التوم را میخواهند خاتم جوابیکه در صفوف اول نشسته و کویا خواهر نصرت التوم بر این اخبار کرده میگردد چشانش فرمز و دامانش پر از اشک شده بود کسایتیکه اطراف این خاتم جوان ایستاده بودند که بر این دستار شده



متهمین در سه ردیف جای گرفته اند

از جیب راست جهانوردی، مختاری، جوانش، ققادی، فاده، اولادی، عباس شش اشکین جهانوردی پریشان است. مختاری جوانش سر میرسد. جوانش پریشان است و با اضطراب بریس دادگاه میگردد. ققادی در عداغیان نشسته است و فاده مختاری و فاده مختاری از مردم هراسان است آواس نصرت التوم دشمن دما میگرد و کس کتیر کتیر

زجر دیده ها، بی اثر شده ها، عداغیان سابق که همه مرتب و متعین میشدند. بیرون های قسرت و دخترهای جوان که دادگاه شده اند و قلم مختاری را در آینه آرامش میبخشد. عداغیان متعین از جا در تریه انتظامات و مقررات دادگاه را رعایت کتیر دست انتظام و عدالت نوبت.

## محاکمه علنی !!

در جلسه عصر هم اول تالار را حالی نگاه داشتند ساعت ۴:۳۰ با مدعی شهر دادگاه نشست آقای موسوی زاده و مختاری گردید. متعین و ففانت و مختاری متعین و اولادی مدعیان خصوصی در جایگاه خود قرار گرفته در موقع تشییع دادگاه فقط عده معدودی کسایتیکه از پندار و رفیق چارو کتیر در تالار حضور داشتند در صورتیکه صحبت در اطراف دیوان کتیر زنده بود ولی اجازه حضور در دادگاه را نداشتند مختاری محکمه شروع بخواند اعداغه شخ مرعل نبود. در اینکه عداغیان پیش داده شده

## تشکیل محکمه

ساعت ۴:۳۰ دقیقه که اعضای محکمه در میان قاضی مختاری و کتیریک و کتیریک نشستند. ریاست محکمه با آقای موسوی زاده بوده و ففانت دیگر آقای اسکیل کتیر و آقای میر احمدیان بودند. ابتدا نام و نام خانوادگی و اسم پدر و محل اقامت و تولد و محل متعین شرح زیر اعلام گردید:



پاپور جهانوردی متهم بترکت در قتل مدرس و دیا



پاسپار منصور وقار متهم بترکت در قتل مدرس



سراهر ققادی رئیس سابق اداره مهابرجان

- محل اقامت زندان - معده حسن ۵۹ ساله پاپور شهرهای متوله تهران محل اقامت زندان
- محل اقامت زندان - محدود دودی فرزند ورمضان ۴۵ ساله پاپور شهرهای متوله اصفهان محل اقامت زندان
- محل اقامت زندان - محدود متورایان فرزند معضلی ۴۷ ساله رئیس شهرهای کاشمر متوله متشه محل اقامت زندان
- محل اقامت زندان - سرف اولادی فرزند حبیبات ۴۰ ساله پاپور شهرهای متوله سمنان
- محل اقامت زندان - مسگر قسرت فرزند حسن ۴۶ ساله حضور شهرهای متوله تهران محل اقامت زندان
- بچه دوحصه چهار

### لشکرهای هشتم و نهم آلمان ناورد شد

#### ملیونها کلمران و کندوزیان و سرپازان خارج شده است

مسکو - بمبارانهای شدید در جریان جنگ هوایی بود و پس از آن در روزهای گذشته بمبارانهای شدیدتری صورت گرفته است. بمبارانها در تمام نقاط شوروی انجام گرفته است. در این بین به شهرهای کازان، پروسلاو، کورسک، خاباروفسک و نوریفول نیز بمباران شده است.

در روزهای گذشته بمبارانهای شدیدتری صورت گرفته است. در این بین به شهرهای کازان، پروسلاو، کورسک، خاباروفسک و نوریفول نیز بمباران شده است.

در روزهای گذشته بمبارانهای شدیدتری صورت گرفته است. در این بین به شهرهای کازان، پروسلاو، کورسک، خاباروفسک و نوریفول نیز بمباران شده است.

در روزهای گذشته بمبارانهای شدیدتری صورت گرفته است. در این بین به شهرهای کازان، پروسلاو، کورسک، خاباروفسک و نوریفول نیز بمباران شده است.

در روزهای گذشته بمبارانهای شدیدتری صورت گرفته است. در این بین به شهرهای کازان، پروسلاو، کورسک، خاباروفسک و نوریفول نیز بمباران شده است.

در روزهای گذشته بمبارانهای شدیدتری صورت گرفته است. در این بین به شهرهای کازان، پروسلاو، کورسک، خاباروفسک و نوریفول نیز بمباران شده است.

### رمل از وقوع رزمهائی نالت خود داری میکند

ناهره - بمبارانهای شدید در تمام نقاط شوروی انجام گرفته است. در این بین به شهرهای کازان، پروسلاو، کورسک، خاباروفسک و نوریفول نیز بمباران شده است.

در روزهای گذشته بمبارانهای شدیدتری صورت گرفته است. در این بین به شهرهای کازان، پروسلاو، کورسک، خاباروفسک و نوریفول نیز بمباران شده است.

در روزهای گذشته بمبارانهای شدیدتری صورت گرفته است. در این بین به شهرهای کازان، پروسلاو، کورسک، خاباروفسک و نوریفول نیز بمباران شده است.

در روزهای گذشته بمبارانهای شدیدتری صورت گرفته است. در این بین به شهرهای کازان، پروسلاو، کورسک، خاباروفسک و نوریفول نیز بمباران شده است.

### بخوانید و سراجام هیلیرسم را درک کنید

مکتو - یکی از نویسندگان شوروی - میگوید: «در این روزها که ما در حال جنگ هستیم، باید بدانیم که سراجام هیلیرسم چیست و چرا باید آن را درک کنیم.»

در این روزها که ما در حال جنگ هستیم، باید بدانیم که سراجام هیلیرسم چیست و چرا باید آن را درک کنیم.

در این روزها که ما در حال جنگ هستیم، باید بدانیم که سراجام هیلیرسم چیست و چرا باید آن را درک کنیم.

### لشکرهای هشتم و نهم آلمان ناورد شد

این لشکرها در ناحیه دن و روزا انضیب هیلیر میروند

مسکو - بمبارانهای شدید در تمام نقاط شوروی انجام گرفته است. در این بین به شهرهای کازان، پروسلاو، کورسک، خاباروفسک و نوریفول نیز بمباران شده است.

در روزهای گذشته بمبارانهای شدیدتری صورت گرفته است. در این بین به شهرهای کازان، پروسلاو، کورسک، خاباروفسک و نوریفول نیز بمباران شده است.

در روزهای گذشته بمبارانهای شدیدتری صورت گرفته است. در این بین به شهرهای کازان، پروسلاو، کورسک، خاباروفسک و نوریفول نیز بمباران شده است.

در روزهای گذشته بمبارانهای شدیدتری صورت گرفته است. در این بین به شهرهای کازان، پروسلاو، کورسک، خاباروفسک و نوریفول نیز بمباران شده است.

### غیر از سربازان اشخاص غیر نظامی نیز ازسرافت و آزادی خود دفاع میکنند

جهه کالی - غیر نظامیان شوروی در این جنگ بزرگ، علاوه بر سربازان، اشخاص غیر نظامی نیز ازسرافت و آزادی خود دفاع میکنند.

در این جنگ بزرگ، علاوه بر سربازان، اشخاص غیر نظامی نیز ازسرافت و آزادی خود دفاع میکنند.

در این جنگ بزرگ، علاوه بر سربازان، اشخاص غیر نظامی نیز ازسرافت و آزادی خود دفاع میکنند.

### خروج انگلیسها از هند و آغاز مبارزه

مهم در شان بومسلاوی و فرانسه

بمبارانهای شدید در تمام نقاط شوروی انجام گرفته است. در این بین به شهرهای کازان، پروسلاو، کورسک، خاباروفسک و نوریفول نیز بمباران شده است.

در روزهای گذشته بمبارانهای شدیدتری صورت گرفته است. در این بین به شهرهای کازان، پروسلاو، کورسک، خاباروفسک و نوریفول نیز بمباران شده است.

### نیروی کمکی به تیموشکو - بمباران کونیگسبرگ

لیونیف باروتوت و مانسکی با جریچیل

بمبارانهای شدید در تمام نقاط شوروی انجام گرفته است. در این بین به شهرهای کازان، پروسلاو، کورسک، خاباروفسک و نوریفول نیز بمباران شده است.

در روزهای گذشته بمبارانهای شدیدتری صورت گرفته است. در این بین به شهرهای کازان، پروسلاو، کورسک، خاباروفسک و نوریفول نیز بمباران شده است.

### یکولابا زیر اتمبیل گشت کش مواد منفجره قرار دادند و بدین طریق

بمبارانهای شدید در تمام نقاط شوروی انجام گرفته است. در این بین به شهرهای کازان، پروسلاو، کورسک، خاباروفسک و نوریفول نیز بمباران شده است.

در روزهای گذشته بمبارانهای شدیدتری صورت گرفته است. در این بین به شهرهای کازان، پروسلاو، کورسک، خاباروفسک و نوریفول نیز بمباران شده است.

### بمبارانهای شدید در تمام نقاط شوروی

بمبارانهای شدید در تمام نقاط شوروی انجام گرفته است. در این بین به شهرهای کازان، پروسلاو، کورسک، خاباروفسک و نوریفول نیز بمباران شده است.

در روزهای گذشته بمبارانهای شدیدتری صورت گرفته است. در این بین به شهرهای کازان، پروسلاو، کورسک، خاباروفسک و نوریفول نیز بمباران شده است.

### متن ادعایمانه دادستان دیوان کفر راجع بقتل مرحوم شیخ خزعل

بیت از شهادت پیش  
نگه داشت شب کسی در داغ نبوده و مسکن  
است چیزی ازین مرتبه باشد حال آری بود  
فقدی نماند کینه بنده با او ایستاد شیر  
دارند فتنه و کشتی رفت و سفیانیان نام  
کرد و بر کشتی من اجاره داده اند  
ظهر شد بنده آدم دم شلوع  
بشود که مضموع من اینجا بود هیچ  
کس از آب باغ اطلاع بد نداشت  
در وقت ظهور غلای شیر پیدا کرده و  
نگداشت من از باغ خارج شوم بپرو  
چند حد از ظاهر جانم را بلند کردند  
بگیرند و انکارده همراهم چند مرد کرده  
لی بند با غلای... وقت مردن شوی  
ناله بند بر طرف بد خواب براسام  
و جنازه کس را دیده که یک طرف  
بیلو که کارباف پیش بود کرده  
داشت فرزند کوچک و صورت او هم سیاه  
بود و همین که سفال دندانهای او را دید  
لی شون آمد

۷ - اعماها الکتبک برای انجام  
این قتل شرح باینکه با ما موروثی  
یافته شده است.

حاجی باغی چهار هزار و پانجاه  
مستغنی را بچراغی تیریزی سحره کار ویال  
حیاس جیشیدی دو هزار و پانجاه - حیاس  
وزیران با سحر ویال - علی امیر طای  
پور اصفهانی که در حین قتل آنجا  
خط و امضای منجیبت مینویسد بر اجازت  
پروانه شهر یابی شیخ خزعل  
و چون است

میای اطلاع دهیال توسط ریاست  
حزب و از آن اطاعت امر در حین حیا  
بنجام حیا با سر او در آمدن رسیدن امضای  
برای باور ده - توسط ریاست اداره  
اعلامات میای باقیه ویال باقیه خارج  
و امام اعظمی نامه ریاست امیر  
مبارکی پور و امین گردید بنا بر تاریخ ۱۳۱۱  
۱۳۱۱ با سفلی غلای پور - توسط  
ریاست اطلاع اتایع دو دست نامه  
باید باز شود دو هزار و پانجاه مینویسد  
حیا و مرتبه میای و رسیدم میای  
حیاس جیشیدی تاریخ ۱۳۱۱ - ۱۳۱۰  
توسط ریاست شیخ اعلامات میای به  
فرار ویال امام مرتضی با جیشیدی من  
لی فرشی تیریزی امضا شده است  
امان کفر ویال با سفلی فرشی تیریزی  
مورخ ۱۳۱۸ - توسط حیا بر سر  
مقداری میای چهار مردمان با سفلی  
مرحوم سرایسین بخاری رسیدن بنده  
مرحوم تاریخ ۱۳۱۹ که در قیوم  
از پانک روسی اداره کل شهر یابی که  
روی آن خط مفدای نوشته شده در  
بسیار مخرج غلای شلوع بود و در پروانه  
قهرمانی مخرج بلایکمی است.

منومین و ارجع بر ریاست امام شرح  
یگان اشراف نبوده اند  
قتلی پور گفته - مد از مرگ  
شیخ خزعل - بکرور مفدای مرا  
خواست پنجاد تومان من باقیه تومان  
حیاس جیشیدی داد -

عیاس بخاری - دو جوب باربر  
که بر سر بنده است - چهار هزار و پانجاه  
که گرفته اند پانجاه من غلای یاب  
است تا که برایش این پروانه امضای داد  
کند لیفور برای چاکر است - داد و  
گفت حضرت اجل داده است بان مقام  
داه بود.

حسینعلی فریچی گفته مفدای  
بنده را خواست و سیصد تومان برای  
زرجان بنده و فوق العاده اشانه کار به  
شماره...  
عیاس پاور زنانه گفته - گفت  
با سحر ویال خط و امضای من است -  
از صبح تا غروب مینویسد خط شیخ  
خزعل بر جا میرفت من ملایم بودم  
در حال با پانک برای اینکه داده بود  
جواب بلایکمی که متوال کرده - خط  
خود داشت و در این قتل نوشته اند نام  
اعضا است.

امامی گردید گان وجه با سحر  
و منومین باسه و همین ظلمت منومین  
بسیست که رییس اداره کل شهر یابی  
بانت اجرت با حقون براهی امام کفر  
آگله و ملایمینی معنی خوش و به  
است آنها که ساندن کفر در ایستورگ  
اگر بلا واسطه یا واسطه ساندن کار  
مستول برداشت است چنین عالی انجام  
دم دیگر معزماه و معنی بود  
موضوعی نخواهد داشت این که بدست  
در وقت ۱۰۳ مکتبه : ابتدا  
متره قیوم است که مجموع آن ده  
هزار دیال است و تاریخ ابتدا تصور  
لی کس که تاریخ فوت خزعل خلیف  
کند ولی آقا رحیم یاقین قیوم  
مخرج کس است که مبلغ زیادی  
بوسله من اشخاص پرداخت میکردند  
حتی به آقایان شاه و رعایا و  
جفاقت و اهل منور... ولی برای چه  
وجه منظور بود اطلاع خازم... در  
مقابل این قیوم ۱ طری چکده هزار  
زوالی حیا مبلغ یک هزار تومان بنده  
داده شوی داشت هم روی این قیوم  
بوده که بر سر او بنده سحر منومین  
چون اسنادی قلت و سب این پرداختها  
بنده و ساندن کس و بنده سحرین  
اطلاع حاصل میکردند معمولاً باغ و  
توضیح آن نامیاست بنده و معنی آن  
گردید آن بنده بنده چکده عالی که  
از محل اعتبار قیوم منومین بنده سحر  
پرداخت میشود میسالی باغی رییس  
کل شهر یابی وقت مینموده...

در وقت ۱۳۱۲ مکتبه  
کراه ایباب و ذهاب فوق  
العاده و تعلق دیگر پرداخت  
و چون بنده پرداخت نکردم  
شقوق مکتبه داشت اول با سحر  
ایباب و ذهاب ملایمینی هم مکتبه  
تضمیم و حیا بر حساب ادرار  
پس از آن که بنده عزم به آری  
پرداخته دوم برای پرداخت قیوم بنده  
سحرین حیا مخرج سحر سانه در وقت  
مکتبه وانی الاصح ملایمینی سانس  
عصمان آقا حیا مین مین و بنده  
است سخت مکتبه با سحر بنده مؤلف  
پرداخت و سحر اول و امین انوار  
سنداری نامه پرداخت کراه ایباب  
ذهاب ملایمینی سانس سحر سحر  
سند سحر بنده موم ملایمینی حیا  
ظهور غیر معسوس مکتبه سحر  
بنده در بنده و چون که مصرف  
بسیار بنده نبود بنده حیا بنده  
کنده مکتبه کراه در شگ و حیا  
نایب است و مکتبه ما خط قیوم  
مکتبه و میسالی که مصرف شده بود  
ان قیوم رییس گزارش لیه مکتبه  
ان گزارش قیوم مکتبه ریاست  
رییس کل شهر یابی منومین و سحر  
توسط حیا آنرا چکده سانس بنده  
ریاست کل شهر یابی حیا کس  
از حقون اجمالی مخرج مخرج مومین  
از دفتر فرستاده مکتبه که بنده  
حیا با سفلی منومین و قیوم  
و سحر آن بنده سانس ریاست  
بعضی معسوس سانس ریاست مکتبه  
بعضی مکتبه حیا ایای بنده  
میرسد بنده سانس ریاست مخرج  
مانه شقوق مومین با سانس خط  
چای کس مکتبه که از بانک مصون  
شود و با سفلی منومین هم مکتبه  
ایجا هم پس از پرداخت غلای قیوم  
اشخاص بنده سانس ریاست  
قیوم و قیوم سحر سانس مکتبه  
در اسیر داده شد شوی سانس کل  
زرد سانس داشت عالی با سفلی  
برای اثبات سانس مخرج سانس  
پرداخت شده است من قیوم سانس  
که ژنه اید باید نوشته بودند مؤلف  
سکنداری مکتبه که باید داشته بود  
میایله و با آنکه من قیوم مکتبه  
بنده

امامی گردید گان وجه با سحر  
و منومین باسه و همین ظلمت منومین  
بسیست که رییس اداره کل شهر یابی  
بانت اجرت با حقون براهی امام کفر  
آگله و ملایمینی معنی خوش و به  
است آنها که ساندن کفر در ایستورگ  
اگر بلا واسطه یا واسطه ساندن کار  
مستول برداشت است چنین عالی انجام  
دم دیگر معزماه و معنی بود  
موضوعی نخواهد داشت این که بدست  
در وقت ۱۰۳ مکتبه : ابتدا  
متره قیوم است که مجموع آن ده  
هزار دیال است و تاریخ ابتدا تصور  
لی کس که تاریخ فوت خزعل خلیف  
کند ولی آقا رحیم یاقین قیوم  
مخرج کس است که مبلغ زیادی  
بوسله من اشخاص پرداخت میکردند  
حتی به آقایان شاه و رعایا و  
جفاقت و اهل منور... ولی برای چه  
وجه منظور بود اطلاع خازم... در  
مقابل این قیوم ۱ طری چکده هزار  
زوالی حیا مبلغ یک هزار تومان بنده  
داده شوی داشت هم روی این قیوم  
بوده که بر سر او بنده سحر منومین  
چون اسنادی قلت و سب این پرداختها  
بنده و ساندن کس و بنده سحرین  
اطلاع حاصل میکردند معمولاً باغ و  
توضیح آن نامیاست بنده و معنی آن  
گردید آن بنده بنده چکده عالی که  
از محل اعتبار قیوم منومین بنده سحر  
پرداخت میشود میسالی باغی رییس  
کل شهر یابی وقت مینموده...

حیاس جیشیدی همین عملی نبشود برای این  
است که سانسار مستقیماً با اشخاص  
نماند نه باشد و با ما موروثی مختلف  
اداری سرور کار دارد و دو وقت بنده  
سوم که وجه پرداخت شود همیشه  
اسامی گردید گان مکتبه خوانمانه  
و این کس علی است

در مقابل شوال باربر کس قیوم  
مورخ ۱۷ تیر ۱۳۱۵ بین حیا منومین  
آقای اشتم یک متری چک بانگلی  
بنده ۱۳۶۳۱ مبلغ ده هزار دیال  
بانت - اخراج معنی که مخرج و سحر  
رسیده اعطاء و امان گردید مفدای  
را بنشانه ای اراه داده اظهار داشته  
قیوم را بدین به خط و امضای بنده  
است و در جواب دیگر باربر کس  
مستول کرده - طوری که در این  
قیوم ملاحظه میکنید بنده قیوم  
مخرج معنی که مخرج و سحر سانس  
و این عبارت ما کس است که سانس سحر  
پرداخت و مخرج و مصرف آری  
مخرج رسیده است و سحر سانس  
چه توضیح دارید - مکتبه

خیر چینی چیزی نیست آقا مکتبه  
شرف والی بوسله نقل گویا از بنده  
خواست که سانس بارباش و اولاد  
کس یک طریقی مبلغ ده هزار  
دیال با سفلی رییس کل شهر یابی وقت  
دادند و یک یاد داشت هم که در  
می آید اسامی حیا سانس سحر  
بود که آنها این مبلغ نماند...  
مکتبه شرف والی - اخراج سانس  
قیوم رسیده دیگر گردید بنده این  
بنده باقیه سانس سانس  
نوشته اند که در کس مخرج سانس  
رسیده است - کس مخرج سانس  
آن هم بر سر او بود که فردا مورد ایراد  
بود چند مکتبه سانس سانس  
در جواب مکتبه که سانس سانس  
کل است و همین اشخاص سانس سانس  
است اگر تیغ سانس سانس چک و  
انعام سانس سانس و همین چکده سانس  
دیال مکتبه سانس است... در هر وقت  
اشکل ما مکتبه است که مکتبه با سفلی  
با هر دو مکتبه با سفلی حیا سانس  
غلای بنده که سانس سانس  
زیلع بنده مومین گردید سانس  
حیا بنده مومین مکتبه مکتبه بنده  
خط سانس و سانس و ایجا بود  
سانس مکتبه سانس سانس سانس  
غزوات

۷ - گزارش سانس سانس مورخ  
۱۳۱۵ مفدای بان حیا سانس  
روز گذشته عدالت نام گشته خزعل  
سانس مستوری که فلا خزعل - آنها  
داده است سانس خزعلی که قصه داخل  
شدن سانس بنده خود داشته سانس  
و عدالت مذکور و واسطه ایگه سانس  
ایگه میای نبوده و او را مورد سانس  
وقت فرار دادند و سایر گمشدگان  
خزعل به سانس سانس مکتبه مکتبه  
آنها را جلب و بازجویی لازم عمل  
آمد سپس ملایمینی مکتبه مکتبه  
بوسله امر معروض سانس مکتبه سانس  
دیوایر این موضوع شیخ مکتبه مکتبه  
بوده و چون صبح امروز اطراف خود  
خارج شده گمان مشائره با سفلی  
مرا عیان مشاهده کرده با سفلی سانس

طیق تصدق دکتبر فضل مالک  
و دکتبر علم الدوله دکتبر فضل مالک  
کل شهر یابی بخت کس سانس سانس  
فمن من خوب مشائره مکتبه کل شهر  
مخرج فوت بود و سانس سانس  
آری در اعزاز مکتبه مکتبه بنده  
مکتبه سانس مکتبه مکتبه مکتبه  
در حق اسامی سانس عدالت خزعلی  
عدالت مکتبه سانس سانس این  
کس بهای آن گمشدگان خزعلی و او  
مخرج خارج نماند و چنانچه فرض شود  
اصل متره هم غلای بنده سانس مکتبه  
اسامی کلانی مکتبه مکتبه مکتبه  
سانس از آن سانس مکتبه مکتبه  
کل آگله و سانس مکتبه مکتبه مکتبه  
گمشدگان با سانس مکتبه و نا  
حجاز تصدق در آجا گمشدگان  
اصدق دکتبر فضل مالک  
دکتبر علم الدوله نیز که مفدای در  
گزارش خود بان اشاره کرده بنده  
عانت و امضای کس بنده مکتبه مکتبه  
سنانم کس در وقت سانس مکتبه  
بکار آورده و بارزه در حدود  
ساعت یازده آغله شیخ خزعل کس  
مکتبه از ایمان نبوده و روز نام  
شان مکتبه کس در تحت سانس مکتبه  
از شمس ۱۱ سانس ولایتی تهران  
سانس شده است مفدای بنده در  
مکتبه که محل آمد عوارض مکتبه مکتبه  
از قبل بر وارضکی صورت و کس  
شدن معان و صورت و کس سانس  
سانه مکتبه حاکمی از این هسته

بیت از شهادت پیش  
نگه داشت شب کسی در داغ نبوده و مسکن  
است چیزی ازین مرتبه باشد حال آری بود  
فقدی نماند کینه بنده با او ایستاد شیر  
دارند فتنه و کشتی رفت و سفیانیان نام  
کرد و بر کشتی من اجاره داده اند  
ظهر شد بنده آدم دم شلوع  
بشود که مضموع من اینجا بود هیچ  
کس از آب باغ اطلاع بد نداشت  
در وقت ظهور غلای شیر پیدا کرده و  
نگداشت من از باغ خارج شوم بپرو  
چند حد از ظاهر جانم را بلند کردند  
بگیرند و انکارده همراهم چند مرد کرده  
لی بند با غلای... وقت مردن شوی  
ناله بند بر طرف بد خواب براسام  
و جنازه کس را دیده که یک طرف  
بیلو که کارباف پیش بود کرده  
داشت فرزند کوچک و صورت او هم سیاه  
بود و همین که سفال دندانهای او را دید  
لی شون آمد

۷ - اعماها الکتبک برای انجام  
این قتل شرح باینکه با ما موروثی  
یافته شده است.

حاجی باغی چهار هزار و پانجاه  
مستغنی را بچراغی تیریزی سحره کار ویال  
حیاس جیشیدی دو هزار و پانجاه - حیاس  
وزیران با سحر ویال - علی امیر طای  
پور اصفهانی که در حین قتل آنجا  
خط و امضای منجیبت مینویسد بر اجازت  
پروانه شهر یابی شیخ خزعل  
و چون است

میای اطلاع دهیال توسط ریاست  
حزب و از آن اطاعت امر در حین حیا  
بنجام حیا با سر او در آمدن رسیدن امضای  
برای باور ده - توسط ریاست اداره  
اعلامات میای باقیه ویال باقیه خارج  
و امام اعظمی نامه ریاست امیر  
مبارکی پور و امین گردید بنا بر تاریخ ۱۳۱۱  
۱۳۱۱ با سفلی غلای پور - توسط  
ریاست اطلاع اتایع دو دست نامه  
باید باز شود دو هزار و پانجاه مینویسد  
حیا و مرتبه میای و رسیدم میای  
حیاس جیشیدی تاریخ ۱۳۱۱ - ۱۳۱۰  
توسط ریاست شیخ اعلامات میای به  
فرار ویال امام مرتضی با جیشیدی من  
لی فرشی تیریزی امضا شده است  
امان کفر ویال با سفلی فرشی تیریزی  
مورخ ۱۳۱۸ - توسط حیا بر سر  
مقداری میای چهار مردمان با سفلی  
مرحوم سرایسین بخاری رسیدن بنده  
مرحوم تاریخ ۱۳۱۹ که در قیوم  
از پانک روسی اداره کل شهر یابی که  
روی آن خط مفدای نوشته شده در  
بسیار مخرج غلای شلوع بود و در پروانه  
قهرمانی مخرج بلایکمی است.

### اروپا در بنی فصل دهم استعمار فرانسه مصری و غیر مصری

اگر آن اجازه بعد نظر بر اشخاص فرانسه غیر مصری بیگیم هنگامیکه او را می  
مورد هجوم آلماتیا مردم دست دست می گریختند وضعت و اثر این سبل  
حمیت بی شانسان که از بلایک و شمال فرانسه جانب جنوب و جهات دیگر  
جلو و می داشتند نهایت و نیم شده بود فرانسه غیر مصری جلی سکونت  
برای این همه داشت و اگر هم داشت کم و غیر قابل اهمیت و البته لازم بود  
که این همه هر چه زودتر پس از برقراری متار که بر فرانسه مصری بازگردند  
با دولت ویشی که آن همکام با مشکلات و دشواریهای بسیاری دور بود و متواتر  
برای تثمین اغلیه و مسکن امالی چاره همیشه و زمامداران لاری نیز معاضدت  
کافی بکار میرند تا گردیدگان توسط خود باز گردند و با لایال این عمل که  
شود مثلا بخت بندی را که برای سکار لازم بود بنده و سپس اجازه  
دادند که برخی از آن در این باندر بیان شده ولی به نظاره ای که معمولات  
اوش در حال معاهده اجازه ادامه مسافر و مسافین بیچار خود را سی فادنه  
سه نامه پس از امضا کرده از نامه موضوع اسکند اسکند اسکند و غیره  
و نیم بود - بنی یافت نیش تا وسیله اوسیل روانه و متشان شونده و اگر هم  
بافقر مرستاده شود نظار را آلماتیا شرط خواهد کرد و درجه دوم توقف  
این مهاجرین روشی بنا به کلیه مفاد [ اعدم تکلیفی و اسالی مستقیماً توضیح  
میسور بود و در حیا آلماتیا از این جهت افسوسه خواهد خاطر مانده  
و آذوقه میلبوها فرور برای خود برداشته این اقدام برای بارها شامل دوایده  
بود بخت خود بار و در تانی دورگه داشتن هغه اوقات مصری که سکه ای  
تاج خوب آن تمام است.

دست است که هم اکنون نیز فرانسه غیر مصری مستقیماً از طرف  
آلماتیا اشتراک بنده و پس از مدتی این اشتراک سانه اشتراکی خواهد شد  
که این زمان و بر فرانسه مصری مامول است ولی با اسلوب و سیک عمل  
متواتر خواهد بود از متار که اصولاً همانا اشتراک و سانس کس قرار گرفت  
ملا حکومت ویشی متوجه شده است که معارضه کراف سراسران لاری کشنده او  
بردارد حالا اگر دوری در سوسال شالی فرانسه اوش بی سد و مصری برای  
بورش با گشتان کرد آورده شود میتوان طبق این شرط اوشتر که فرانسه را  
مجبور پرداخت مخارج کس کس آن لشکر یابی کرد - زمامداران فرانس  
مصری بکشند و سانس هلی او را اگر آورده تسلیم زمامداران دولت فاتح  
شود زیرا مشکوک است که حکومت آلماتیا قیوم را با سانس سانس زیرا  
آلماتیا که خود معینه اسکند سانس کس را در اختیار دارد میتواند هر چند  
میلیاری که بخواهد طبر رسانند آن است علت اینکه طلا بنده خوانده حالا  
فرانسه ان طلا را از کجا میدهد - مفدای از ملای فرانس در آمریکا که  
گذاشته شده است فرانسه از این طلا توجع تسلیم زمامداران لاری میکند  
و اگر تریبی در اوسال این عمل خود داده نماند بارها دولت ویش را اشغال  
سرتان سحر فرانسه تهدید میکند

۷ - بنابر ۱۹۱۰ حکومت ویشی دستور داده شد که مفاد ازلی از کل  
معمولات فرانسه غیر مصری را تسلیم کند درست مثل آنکه آفست هم بود  
تحت تصرف آلماتیا است که وقت قدیم مکتبه حکومت ویشی را زمانه تمولوری  
را میباید تا آنچه که میل دارند برایشان فراهم سازند ولی چیزی نیست که  
حکومت ویشی مقدر آرا داشته باشد زمامداران آلماتیا مکتبه مکتبه بمانند  
دست کند که فلا حیا از قواعد متار که تعضی شده است و با تهدید اینکه  
فرانسه را اشغال میکنند هر ملایمینی و قل نمانند برای اشتراک مردم فرانسه  
بکار میسند - در وقت کس مکتبه مکتبه و قل نسوی تنظیم شود دولت آلماتیا از  
بکار میسند - غیر مصری تا کس مکتبه مکتبه مکتبه مکتبه مکتبه مکتبه  
و صدور مکتبه مکتبه مکتبه مکتبه مکتبه مکتبه مکتبه مکتبه مکتبه

ولی باید دانست که حتی البته اظهار خلوص و بندگی فرانسه زاهر  
روزی که لازم بداند از اشغال تحت انعامه داد - اوضاع توماس اداره شده  
و طبق حکومت ویشی روز و روز اوتور میشود و روزی آذام نباه برقرار کرد  
و آرایش دعوات میشود و حتی معض از امالی معتقدند که ما حکومت  
طنانی آلماتیا را حکومت ویشی ترجیح میبدهم زیرا اصواب یکی است این  
اعارت که معض سراسر آلماتیا اشغال مکتبه و لایال برقرار خواهد کرد از  
عده گمشدگان کل بن و ادان برمنار که احتیاسی از فرانسه اشغال مشروع  
صالح میبایستند روز بروز تنزل میکند

که در سن خوب سکه گاندل حرامت  
شده است و مومین کس اصرار دارد  
بهران تاریخ چهارم خرداد بکاره او  
سبب و باره بعضا ذکر علم الدوله  
و دکتر مالک  
دکتر مالک را چه بنای تصدق  
در صفحات ۱۵۰ باز جوی بند چنین  
اظهار داشت : بکاره بن نقل کرد  
با کس خط بن مکتبه که سانس سانس  
خزعل بروم با جا رف و قیوم رسیده  
و قفس سر جنازه گمشدگان سانس  
است و توی کس مرده است - دور  
نتیجه آن میباید کرده و مشاهدات خود  
را نوشتن... بنده بنده مکتبه مکتبه  
فقت اینکه قیوم غلای بنده سانس  
بانیجهت مکتبه مکتبه مکتبه مکتبه مکتبه  
چون مکتبه مکتبه که چنین کس  
یش آبدو چون من سانس مکتبه مکتبه  
او بوده ام - در سفر میای میای  
از این اظهارات معلوم میشود که  
میای آمی دکتر مالک از این نظر  
نبوده که تضمین دفعه خزعل بنده  
طیق مکتبه گفته با او را گفته اند

کس که در حین خوب سکه گاندل حرامت  
شده است و مومین کس اصرار دارد  
بهران تاریخ چهارم خرداد بکاره او  
سبب و باره بعضا ذکر علم الدوله  
و دکتر مالک  
دکتر مالک را چه بنای تصدق  
در صفحات ۱۵۰ باز جوی بند چنین  
اظهار داشت : بکاره بن نقل کرد  
با کس خط بن مکتبه که سانس سانس  
خزعل بروم با جا رف و قیوم رسیده  
و قفس سر جنازه گمشدگان سانس  
است و توی کس مرده است - دور  
نتیجه آن میباید کرده و مشاهدات خود  
را نوشتن... بنده بنده مکتبه مکتبه  
فقت اینکه قیوم غلای بنده سانس  
بانیجهت مکتبه مکتبه مکتبه مکتبه مکتبه  
چون مکتبه مکتبه که چنین کس  
یش آبدو چون من سانس مکتبه مکتبه  
او بوده ام - در سفر میای میای  
از این اظهارات معلوم میشود که  
میای آمی دکتر مالک از این نظر  
نبوده که تضمین دفعه خزعل بنده  
طیق مکتبه گفته با او را گفته اند

چنان تصدیق داده اند  
بنا سراب فوق الذکر و با توجه  
سایر فرائض و امانات موجود در پیوند  
امری که برای احتراز از تضلیل از ذکر  
آن خود داری میشود  
بنظر دادستان دیوان کفر  
سالم است که شیخ خزعل را  
عماس بخاری و حسینی فرش  
جی بافراط علی اصغر عقیلی  
پور و حیا جیشیدی و عیاس  
مجتون پوری و عبدالله مفدای  
و کل الدین مختار و فضل رساید  
الد و چون معلوم نیست که مباشر اصلی  
قتل حسین علی فرشچی بوده با عیاس  
بخاری سبب و مشارکتا طبق ماده  
۱۷۵ قانون مجازات قتل عمومی و  
سبب سایرین در حدود مواد ۱۷۰  
تا ۲۸ قانون مجازات عمومی و رعایت  
ماده ۱۷۵ مجازات آیین فادرسایی  
سبب و معض و مفدای و بخاری  
و فرشچی و عقیلی پور درخواست  
رسیدگی و معزوم حکم مجازات میشود

